

وضعیت حقوقی افراد مبتلا به سندرم داون

معصومه احسانی^۱

محمد صالحی مازندرانی^۲

ناصر قربان‌نیا^۳

چکیده

سندرم یعنی مجموعه علائم بدنی و ذهنی که تظاهراتی از یک بیماری بالینی یا ناهنجاری ارثی است و معادل فارسی آن نشانگان می‌باشد. کسانی که سندرم داون دارند در سلول‌های بدن خود به جای ۴۶ کروموزوم، ۴۷ کروموزوم دارند و کروموزوم اضافی در بدن فردی که سندرم داون دارد موجب تغییرات بدنی و ذهنی می‌شود تا جایی که اصلی‌ترین عامل نگران‌کننده در سندرم داون، عقب‌ماندگی ذهنی است. سندرم داون از موضوعاتی است که در مباحث پزشکی بدان پرداخته شده است، اما در نگارش‌های حقوقی به ندرت می‌توان راجع به مسائل حقوقی این افراد، پاسخی یافت. بنابراین لازم است که از بعد حقوقی مورد بررسی قرار گیرند. در این نوشتار سعی شده است، ضمن معرفی عقب‌ماندگان ذهنی و در پی آن انواع ابتلا به سندرم داون، با توجه به خصوصیات و توانایی‌های آنان و با تکیه بر ادله قانونی و مستندات فقهی به قیاس آنان با افراد مجنون و نیز غیر رشید در حقوق مدنی ایران و در نهایت بررسی وضعیت حقوقی آنان پرداخته شود.

واژگان کلیدی

سندرم داون، عقب‌ماندگی ذهنی، وضعیت حقوقی، جنون، سفه

۱- کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، قم، ایران.

۲- استادیار حقوق خصوصی دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسؤول)

نشانی الکترونیکی: m_salehimazandarani@yahoo.com

۳- دانشیار حقوق دانشگاه مفید قم، قم، ایران.

مقدمه

از دیدگاه اسلام همه انسان‌ها از نقطه نظر ذات انسانی برابرند. خداوند در قرآن می‌فرماید «ان اکرمکم عندالله اتقیکم؛ کسی بالاتر است که تقوای بیشتری پیشه کرده است» (حجرات: ۱۳). همچنین می‌فرماید «و جعلنا بعضکم لبعض فتنة اصبرون، و کان ربک بصیرا؛ و بعضی از شما را وسیله امتحان بعضی دیگر قرار دادیم، آیا صبر و شکیبایی می‌کنید (و از عهده امتحان برمی‌آیید؟)» (فرقان: ۲۰).

در جوامع متمدن بشری، انسان‌ها نیازمند حمایت در تمامی دوران زندگی خود می‌باشند. پس از زنده متولدشدن جنین او دیگر یک شخص و دارای حقوقی می‌باشد. در عالم واقع انسان‌هایی هستند که از وضعیتی ویژه برخوردار می‌باشند و برای نائل‌شدن به حقوق واقعی خود اعم از حقوق فطری و یا اکتسابی نیازمند تدابیری هستند. اشخاص با عقب‌ماندگی ذهنی در آن زمره‌اند (نباتی، ۱۳۸۹، ص ۹). به عبارت دیگر در یک دسته‌بندی کلی می‌توان عنوان کرد، دو دسته افراد مورد حمایت قانونگذار نظام حقوقی ایران هستند. دسته اول، افرادی که تحت عنوان محجورین بوده و مورد حمایت‌های قانونی قرار گرفته‌اند. در ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی فقط از سه قسم صغار، سفها و مجانین به صراحت تحت عنوان محجورین نام برده شده است. دسته دوم، افرادی که غیر محجورند، اما قوانینی تحت حمایت از آن‌ها وضع شده است که از جمله می‌توان به غایب مفقودالاثر، متوفی راجع به ترکه وی، جنین و افراد ناتوان در اداره اموال اشاره کرد. با توجه این‌که همه انسان‌ها در مرحله‌ای از دوران زندگی خود (دوره صغر) از اجرای حقوق و تصرف در اموال خود ممنوع‌اند و ناگزیر دوره‌ای از حجر را به طور قهری باید بگذرانند.

از طرفی، استقلال مفهوم رشد در برابر بلوغ جسمی ایجاب می‌کند که رشد کودکان بالغ نیز نیاز به اثبات داشته باشد، اما چون اثبات آن و رجوع به دادگاه برای تمام افراد هم حرجی برای خانواده است و هم تحمیلی بر قوه قضاییه، لذا اماره رشد برای ایجاد نظم در روابط حقوقی بر مبنای ظاهر و غلبه سنی را قانونگذار در نظر گرفته است (کاتوزیان، ۱۳۷۵ ش.، ص ۲۷)، اما افراد داون از کودکی مبتلا به اختلال قوای دماغی هستند و این حالت بعد از رسیدن به سن بلوغ نیز ادامه دارد و به لحاظ تفاوت‌هایی که با افراد عادی دارند نیازمند اثبات رشد می‌باشند، در فقه، معیار اصلی رشد آزمایش مکرر است. این آزمایش باید با افعال کودک در محیط اجتماعی خود مناسبت داشته باشد. علامه حلی (ره) در کتاب قواعد الاحکام، «طرق آزمایش را به این صورت بیان فرموده است که باید پسر تاجر را با تجارت کردن، پسر صنعتگر را با صنعتگری و پسر کشاورز را با کشاورزی و دختران را با خیاطی و خرید لوازم آن آزمایش نمود» (محقق ثانی، ۱۴۱۴ ق.، ص ۱۸۳).

در ارزیابی توان ذهنی کودکان عقب‌مانده به طور اعم و کودکان سندرم داون به طور اخص می‌بایست از یک شیوه مستمر و پویایی برخوردار بود (افروز، ۱۳۸۵ ش.، ص ۹). در اکثر کودکان مبتلا، مهارت‌های اجتماعی موجود به طور متوسط ۳ تا ۴ سال عقب‌تر از سن عقلی آن‌هاست (شریعتی، ۱۳۷۵ ش.، ص ۲۵) و از آنجا که افراد مبتلا، قادر به اداره و رسیدگی صحیح امور حقوقی خود نمی‌باشند چه نهاد حمایتی برای این قبیل شهروندان در نظر گرفته شده است؟ در این مورد با سکوت قانون مواجه هستیم و رویه محاکم به صدور حکم حجر برای این افراد اقدام می‌نمایند.

هدف نهایی در این نوشتار تعیین وضعیت حقوقی افراد مبتلا به سندرم داون می‌باشد که با توجه به سکوت قانون در این خصوص باید دید در کدام دسته از این دو قسم جای دارند و قانونگذار به چه شکل از این افراد که در جامعه مبتلا به زیادی دارد، حمایت کرده است. لازمه شمول آن‌ها در زمره محجورین مطابق ماده ۲۱۱ قانون مدنی، بررسی وصف رشد و عقل پس از سن بلوغ می‌باشد. پیمودن این مسیر به غیر از توجه به مقررات قانونی، مستندات فقهی و مقایسه حالات و ویژگی‌های این افراد با عناوین و مفاهیم مشابه میسر نیست.

الف - طبقه‌بندی افراد عقب‌مانده ذهنی

تقسیم‌بندی‌های مختلفی از سوی انجمن‌ها و روانپزشکان و روانشناسان همچون آموزشگاه‌ها، بر اساس ویژگی‌های متفاوت عقب‌ماندگان ذهنی صورت گرفته است.

۱- طبقه‌بندی انجمن AAMR^۱

امروزه یک طبقه‌بندی توصیفی و کششی از عقب‌ماندگی ذهنی به وسیله انجمن AAMR، شامل مقوله‌های عقب‌ماندگی ذهنی خفیف، متوسط، شدید و عمیق رو به تکامل است (انجمن آمریکایی عقب‌ماندگی ذهنی)، اما در خصوص افراد داون گفته شده است، حداقل ۱۰٪ کودکان مبتلا به عقب‌ماندگی متوسط یا شدید (و نه عمیق) دچار سندرم داون هستند (کولیوند، ۱۳۸۶ ش، ص ۳۴). علاوه بر این، مطالعاتی که بر اساس آزمایشات روان‌سنجی برای بررسی تکامل شناختی افراد مبتلا به سندرم داون انجام شده و نشان داده است، این افراد دارای ضریب هوشی حدود ۲۵-۸۵ می‌باشند، مؤید این مطلب است (نچواک، ۱۳۸۳ ش، ص ۱۱). بنابراین در نوشتار حاضر به بیان ویژگی‌های آن‌ها در درجات مذکور بسنده می‌کنیم.

شخص مبتلا به عقب‌ماندگی ذهنی متوسط، می‌تواند از آموزش‌های مهارت‌های اجتماعی و شغلی بهره‌مند شود. کم‌تر احتمال دارد که تا بالاتر از کلاس دوم پیشرفت کند. زمانی که تحت فشارهای اجتماعی و اقتصادی خفیفی قرار می‌گیرد نیاز به سرپرستی و راهنمایی دارد.

شخص مبتلا به عقب‌ماندگی ذهنی شدید، می‌تواند حرف بزند یا برقراری ارتباط را بیاموزد. می‌توان او را در کسب عادات بهداشتی آموزش داد. قادر به استفاده از آموزش‌های حرفه‌ای نیست. او می‌تواند مهارت‌های مربوط به حمایت از خود را در محیط‌های کنترل‌شده در پایین‌ترین سطح مفید بودن توسعه دهد.

۲- طبقه‌بندی حول محور روانی - اجتماعی

این گروه تقسیم خود را بیشتر بر اساس درجه هوش و تفاوتی که بین سن عقلی و سن زمانی و تقویمی فرد وجود دارد انجام داده‌اند (میلانی‌فر، ۱۳۹۳ ش، ص ۳۴؛ احمدی، ۱۳۸۳ ش، ص ۲۰۲).

گروه عقب‌مانده‌های شدید (سبک مغز، کم‌خرد، سفیه): هوشبهر این افراد بین ۲۶ تا ۵۰ است. توانایی‌های آنان در سنین گوناگون همانند کودکان ۳ تا ۷ ساله است. افراد این گروه ۱۰ تا ۲۰ درصد کودکان عقب‌مانده را تشکیل می‌دهند.

به علت این‌که تربیت‌پذیر هستند و وابستگی نسبی نشان می‌دهند به آن‌ها کودکان نیمه وابسته هم می‌گویند. این بیماران در بزرگسالی قادرند برخی وظایف ساده و فعالیت‌های اجتماعی محدودی را انجام دهند. بسیاری از آن‌ها اختلالات جسمانی به همراه دارند (میلانی‌فر، ۱۳۹۳ ش، ص ۳۵؛ احمدی، ۱۳۸۳ ش، ص ۲۰۲).

گروه عقب‌مانده‌های متوسط (کودن، کندذهن): هوشبهر کودکان این گروه بین ۵۱ تا ۷۰ است. سن عقلی آنان از حد کودکان ۱۰ ساله تجاوز نمی‌کند. افراد این گروه ۷۵ تا ۸۵ درصد کودکان عقب‌مانده را تشکیل می‌دهد. در نیروی

قضاوت و استدلال نارسایی مشهود است. تأخیر در راه رفتن و لکنت زبان دارند و دایره لغات آنان محدود است (میلانی فر، ۱۳۹۳ ش، ص ۳۵).

۳- طبقه بندی حول محور انتظارات و اکتسابات آموزشی

در این طبقه بندی دو گروه عقب مانده ذهنی داریم (افروز، ۱۳۶۲ ش، ص ۷۲):

الف - عقب مانده های درمان ناپذیر و ویژگی های آنان: هوشبهر آنان زیر ۲۵ است. دارای معلولیت های چندگانه اند. اکثراً ظاهری غیر عادی دارند و در بالاترین سن و موقعیت در حد کودک ۳ ساله رفتار می کنند. حتی قادر به تشخیص مخاطرات و پرهیز از آنها نیستند و نیاز به مراقبت مؤسسه ای دارند به همین دلیل افراد پناهگاهی یا حمایت پذیر نام دارند (شریفی درآمدی، ۱۳۸۱ ش، ص ۱۲۲). این کودکان تقریباً در تمام مدت زندگی خود مانند نوزادان و اطفال خیلی کم سن، نیاز به مراقبت و سرپرستی دائم دارند (افروز، ۱۳۶۲ ش، ص ۷۲).

ب - عقب مانده های درمان پذیر، به دو گروه آموزش پذیر و تربیت پذیر تقسیم می شوند.

با توجه به این که هوشبهر افراد عادی ۱۰۰ می باشد. افرادی که هوشبهر آنان بین ۷۰-۵۶ یا ۷۵-۵۰ است آموزش پذیر خوانده می شوند. این افراد از لحاظ قدرت فراگیری و استفاده از حواس دارای تأخیر هستند. از نظر دانستن لغات ضعیف بوده و مفاهیم را خوب درک نمی کنند و از جنبه عاطفی واکنش های لازم را به دست نمی آورند. تمرکز و دقت در اینان محدود است، امور اولیه زندگی را انجام می دهد، اما محتاج به سرپرستی دیگران هستند (افروز، ۱۳۶۲ ش، ص ۷۲؛ ری گیهات، ۱۳۸۵ ش، ص ۶۰) از عهده کارهای ساده و کاردر فروشگاهها برمی آیند. بیشتر اعمال و رفتار آنها نقش تقلیدی دارد و به سادگی تحت تأثیر دیگران قرار می گیرند. به همین دلیل ممکن است در محیط نامطلوب قرار گیرند و آلت دست

دیگران گردند (کریمیان، ۱۳۸۲ ش.، ص ۷۴). این عقب‌ماندگان از نظر توان عقلی حداکثر تا رشد عقلی کودکان ۱۱ ساله می‌توانند پیشرفت نمایند، یعنی به مرحله تفکر انتزاعی (آخرین مرحله رشدشناختی ژان پیاژه) نمی‌رسند (کریمیان، ۱۳۸۲ ش.، ص ۷۵). در مقابل افرادی که هوشبهرشان بین ۵۰-۲۶ می‌باشد تربیت‌پذیر هستند. توانایی‌های تحصیلی آنان از یک کودک ۷ ساله تجاوز نمی‌کند. این افراد فقط می‌توانند برخی مهارت‌های تربیتی و اعمال ساده مربوط به خود مانند غذا خوردن، لباس پوشیدن، طهارت، کنترل ادرار و مدفوع را با آموزش و تربیت فرا بگیرند و محتاج به سرپرستی کامل هستند (ری گیهات، ۱۳۸۵ ش.، ص ۶۳).

ب - قرائن و امارات در افراد مبتلا به سندرم داون

امارات آن دسته از دلایلی هستند که مبنای حجیت آن‌ها کاشفیت نسبت به واقع است و در حقیقت اعتبار آن‌ها هم مکمل کاشفیت امارات است، لذا از سوی شارع حجیت یافته‌اند (محقق داماد، ۱۳۸۶ ش.، ص ۲۴). در خصوص افراد مبتلا به سندرم داون نیز می‌توان به نشانه‌های فیزیکی و شرایط سلامتی زیر با شدت وضعف متفاوتی پی برد (کانون سندرم داون ایران).

صورت پهن با چشمان مورب و بینی پهن و گرد، انگشت خمیده و خیلی کوتاه و دست‌های پهن و خیلی کلفت، شکاف‌های پلکی مورب، مشکلات قلبی، گوش و بینایی، مشکل در اسکلت‌بندی و نقص در عملکرد تیروئید، خط عرضی منفرد کف دست، تشنج و عقب‌ماندگی، بزرگی عضله زبان نسبت به دهان (نچواک، ۱۳۸۳ ش.، ص ۸)، مفاصل نرم به خصوص در مفصل آتلاتتواکسیال: مفصل آتلاتتواکسیال مفصل بین مهره اول و دوم گردن می‌باشد که نرمی این مفصل باعث دررفتگی آن و در نتیجه آسیب نخاعی می‌شود (نچواک، ۱۳۸۳ ش.، ص ۹) و علائم بالینی از این

قبیل که در این مقال مجال تفصیل مطالب نمی‌باشد. همچنین از جمله علائم عمده و زودرس که تقریباً در همه بیماران مشاهده می‌شود وجود مشکلات یادگیری و نیز محدودیت و تأخیر رشد و نمو می‌باشد. در زمینه مهارت‌های اجتماعی نیز این افراد ممکن است در برقراری ارتباط با سایر افراد در اجتماع دارای مشکل باشند (نچواک، ۱۳۸۳ ش، ص ۳۷). در پی مطالعات، سعی بر این است در یابیم آیا فرد مبتلا به سندرم داون در دایره شمول محجورین قرار خواهد گرفت. بنابراین لازم است ابتدا به بررسی وصف رشد و عقل در آن‌ها پرداخته شود.

ج - بررسی وصف رشد در افراد مبتلا به سندرم داون

با توجه به طبقه‌بندی افراد عقب‌مانده ذهنی، افراد داون از «هر طبقه» که باشند در خصیصه فقدان عقل معاش مشترک هستند که برای روشن‌تر شدن بحث به مقررات قانونی و مستندات فقهی در ادامه پرداخته می‌شود.

۱- مقررات قانونی سفاقت و ارتباط آن با سندرم داون در امور مالی

یک دسته از محجورین به تصریح ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی، صغار می‌باشند، صغار جمع صغیر، یعنی بچه‌ای که به حد بلوغ شرعی نرسیده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۵ ش، ص ۲۳۵۲). پس بدیهی است تمام انسان‌ها اعم از افراد عادی و افراد داون این تجربه از محجوریت را داشته‌اند. از طرفی در ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی آمده است «هیچ کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود مگر آن‌که عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد.» سؤالی که در این‌جا ممکن است پیش بیاید این است، آیا صرف رسیدن به سن بلوغ در افراد داون نیز به جهت وضعیت جسمی و ذهنی که دارند نظیر دیگران برای احراز رشد کافی می‌باشد؟ به طور کلی، برای خروج صغیر از حجر

رسیدن به سن بلوغ کافی نیست، بلکه صغیر علاوه بر بلوغ نیازمند پیدانمودن رشد نیز هست (مقصودی، ۱۳۹۱ ش.، ص ۵۶) و رشید کسی است که نفع و ضرر در داد و ستد را بداند او را عاقل بالغ گویند (کاتوزیان، ۱۳۷۱ ش.، ص ۲۸).

افراد داون به لحاظ تفاوت‌هایی که با افراد عادی دارند نیازمند اثبات رشد می‌باشند، در فقه، معیار اصلی رشد آزمایش مکرر است. این آزمایش باید با افعال کودک در محیط اجتماعی خود مناسبت داشته باشد. علامه حلی (ره) در کتاب قواعد الاحکام، «طرق آزمایش را به این صورت بیان فرموده است که باید پسر تاجر را با تجارت کردن، پسر صنعتگر را با صنعتگری و پسر کشاورز را با کشاورزی و دختران را با خیاطی و خرید لوازم آن آزمایش نمود» (محقق ثانی، ۱۴۱۴ ق.، ص ۱۸۳)، اما باید توجه داشت ارزیابی کامل عقب‌ماندگان ذهنی (از جمله افراد داون)، شامل گرفتن شرح حال، مصاحبه با افراد مبتلا، معاینه بالینی، ارزیابی رفتاری، سنجش رشد و بررسی وضعیت روانی می‌باشد (احمدی، ۱۳۸۳ ش.، ص ۲۰۴) که به دلیل محدودیت کلامی در آن‌ها، نمی‌توانند به درستی پاسخ دهند و این در حالی است که اگر کودکی در آزمون هوشی نتواند به سؤالات به درستی پاسخ دهد، نمی‌توان با اطمینان گفت که توانایی خاصی را ندارد و وقتی که کودک نمی‌تواند از عهده مهارتی برآید نمی‌توانیم با اطمینان نتیجه‌گیری کنیم که این کودک فاقد توانایی لازم برای انجام آن مهارت است (کولیوند، ۱۳۸۶ ش.، ص ۳۲). از طرفی، در ارزیابی توان ذهنی کودکان عقب‌مانده به طور اعم و کودکان سندرم داون به طور اخص می‌بایست از یک شیوه مستمر و پویایی برخوردار بود (افروز، ۱۳۸۵ ش.، ص ۹). می‌توان گفت سن رشد به عنوان اماره و تنها یک عدد می‌باشد که تاب مقاومت در برابر دلایل را ندارد. قانونگذار در ماده ۱۲۰۸ قانون مدنی غیر رشید را این‌گونه تعریف می‌نماید «غیر رشید کسی است که تصرفات او در اموال و حقوق مالی

خود عقلایی نباشد»، صاحب جواهر در خصوص سفیه چنین می‌فرماید «و اما سفیه نسبت به مال، پس او مقابل رشید است و عبارت است از کسی که اموالش را در اهدافی که از نظر عقلا صحیح نیست مصرف می‌کند، ولو این که آن عقلا دنیادوست باشند از آن جهت که رشد اصلاح مال است و حصول تحقق آن فقط به صرف نکردن مال در اغراض غیر صحیح می‌باشد و این که مرجع آن عرف است» (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ص ۵۲؛ عبدی، ۱۳۷۴ ش، ص ۱۷۶). امام خمینی (ره) هم در تحریرالوسیله فرمودند: «سفیه کسی است که دارای حالتی نمی‌باشد که موجب حفظ مال و توجه به حالاتش شود، مال را در غیر جای خود صرف نموده و در غیر محلش تلف می‌کند و معاملاتش مبنی بر کسب و حفظ از غبن و ضرر نیست، باکی ندارد که در معامله فریب بخورد، اهل عرف و عقلا او را از آنجا می‌شناسند که او را نسبت به اموالش از جهت تحصیل و ضرر آن خارج از رفتار و روش خود می‌یابند و وجداناً او را می‌شناسند و سفیه شرعاً محجور است» (موسوی خمینی، ۱۴۲۵ ق، ص ۳۹) و یا به فرموده فقها دیگر، «سفیه کسی است که رتق و فتق اموال خود را به خوبی نمی‌داند و در کار سستی روا می‌دارد و یا فاقد آنست، کوتاه سخن آن که او بی‌باکانه اموال خود را از بین می‌برد و پیوسته سستی و زیاده‌روی می‌کند» (مغنیه، ۱۴۲۱ ق، ص ۶۳۴)، گرچه تشخیص مصادیق سفاهت موکول به عرف عقلا است و به اختلاف اشخاص و زمان و مکان مختلف می‌شود (عبدی بروجردی، ۱۳۸۱ ش، ص ۱۳۴)، اما عرف هرگز شخص را که چند مورد ولخرجی یا زیاده‌روی در مصرف داشته باشد، سفیه نمی‌داند، بلکه جایی که این رفتارها به صورت عادت درآمده و با خلق و خوی فرد عجین شده باشد و مدام تکرار کند یا به اصطلاح به صورت ملکه درآمده باشد دیگر نمی‌توان سفیه ندانست، بلکه تکرار اعمال سفیهانه

نشانه وجود سفاقت است (صفایی و همکاران، ۱۳۸۹ ش.، ص ۱۴۴) و در عرف می‌گویند سفیه عقل معاش ندارد (کاتوزیان، ۱۳۷۱ ش.، ص ۸).

عقل معاش همان عقل اقتصادی - اجتماعی است که به فرد توانایی فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی می‌دهد، بدین معنا که کسی که در متن اجتماع و در تلاش اقتصادی، مردم را بهتر می‌شناسد، کم‌تر فریب می‌خورد، بهتر سود می‌کند (روزنامه کیهان، ۱۳۹۱ ش.)، در طبقه‌بندی افراد داون سابقاً گفته شد، آنان در درجه متوسط می‌توانند از آموزش‌های مهارت اجتماعی و شغلی بهره‌مند شوند، اما زمانی که تحت فشارهای اجتماعی و اقتصادی خفیف قرار می‌گیرد نیاز به سرپرستی و راهنمایی دارد و در حالت شدید حتی قادر به استفاده از آموزش‌های حرفه‌ای نیستند. بدین ترتیب می‌توان گفت، عقل معاش در آن‌ها به درستی شکل نخواهد گرفت. از طرف دیگر، مطالعه سازگاری اقتصادی عقب‌مانده‌های ذهنی نشان می‌دهد که اکثریت وسیعی از آنان وارد صنعت می‌شوند و یا برای مدت متغیری نوعی شغل به دست می‌آورند (اکرک و همکاران، ۱۳۷۴ ش.، ص ۳۰۷)، اما این سؤال پیش می‌آید که چرا بسیاری از آن‌ها شغل خود را حفظ نمی‌کنند و استقلال اقتصادی به دست نمی‌آورند؟ متخصصان تعلیم و تربیت، روانشناسان و کسانی که با عقب‌ماندگان ذهنی کار می‌کنند در این نکته توافق دارند که در تعیین موفقیت فردی عقب‌مانده‌های ذهنی به غیر از هوش نشانه‌های دیگری اثرگذار است، آن طور که از تفاوت نتایج آزمون‌های هوش کلامی و هوش عملی تا حدودی برمی‌آید، بعضی از این نشانه‌ها عبارتند از: منش، شخصیت و نوع هوش (اکرک ساموئل و همکاران، ۱۳۷۴ ش.، ص ۳۰۹) مواردی که عقب‌مانده‌های ذهنی در به دست آوردن موقعیت شغلی و یا در حفظ آن ناموفق می‌مانند به دلیل ناتوانی آن‌ها از انجام نفس کار بر طبق رضایت کارفرما نیست، بلکه معمولاً به دلیل وقت‌شناسی، غیبت،

ناموفق بودن در سازگاری با همکاران یا کارفرما، ناتوانی در پذیرش مسؤلیت، بی تفاوتی، عدم اتکا به نفس و انواع نارسایی‌های شخصیتی می‌باشد (اکرک ساموئل و همکاران، ۱۳۷۴ ش.، ص ۳۰۹). توانایی سازش با مقتضیات محیط برقراری روابط با دیگران، مراقبت از نیازهای شخصی تماماً جنبه‌های مهمی از یک سبک زندگی مستقل‌اند که برای افراد داون این مهارت‌های صلاحیت شخصی و اجتماعی با افراد همسن غیر عقب‌مانده قابل مقایسه نیستند (شریفی درآمدی، ۱۳۸۱ ش.، ص ۱۱۵)، اما آن‌ها قادرند خریدهای جزئی برای منزل داشته باشند، البته با نظارت قبلی سرپرستان. کرایه وسیله حمل و نقل را به مقدار مشخص و تعیین شده گاهاً به صورت معاطات پرداخت کنند. صحیح بودن این معاملات نشانه‌ای از مجنون نبودن آنان است و گرنه انجام معاملاتی که گرچه به ندرت، ولی اتفاق می‌افتد به معنای مخالفت با قوانین آمره خواهد بود که نیازمند پیگیری از سوی سرپرستانی است که خودشان اجازه این امر را به فرد داون داده‌اند. حقوقدانان نیز گفته‌اند سفیه می‌تواند در داد و ستدهایی که بهای آن معین است با نظارت و اذن قیم شرکت کند و به مشاغل خاص بپردازد (کاتوزیان، ۱۳۷۵ ش.، ص ۴۶۹). استاد مطهری یکی از علائم رشد و بی‌رشدی را ارزیابی صحیح معرفی فرموده‌اند «رشد توأم با ارزیابی صحیح و درک میزان ارزش سرمایه‌ها و سود و زیان‌ها می‌باشد» (مطهری، ۱۳۸۲ ش.، ص ۴۷۴). بدین ترتیب فقدان عقل معاش و ناتوانی در کسب آن خصیصه بارز این افراد می‌باشد. پس می‌توان افراد مبتلا به سندرم داون را به لحاظ فقدان عقل معاش و عدم رشد در زمینه مالی، معادل سفیه و به طور کلی، غیر رشید دانست.

۲- بررسی وصف رشد در امور غیر مالی افراد مبتلا به سندرم داون

۲-۱- عقود اذنی ودیعه و عاریه: آیا سفیه (فرد داون مورد نظر) می‌تواند مستقلاً و بدون اذن ولی، عاریه قبول کند و یا مالی را با ودیعه تحت محافظت قرار دهد؟

در پاسخ به این سؤال اتفاق نظر وجود ندارد. بعضی از حقوقدانان گفته‌اند پذیرش عاریه توسط سفیه حتی بدون اذن، ولی صحیح و نافذ است، زیرا در این قرارداد، سفیه در مال خود تصرف نمی‌کند (امامی، ۱۳۷۲ ش.، ص ۲۵۸) این دسته از حقوقدانان با همین استدلال گفته‌اند سفیه می‌تواند، ودیعه را قبول کند و به عنوان امین از اموال دیگری محافظت نماید، اما در مقابل عده‌ای دیگر از حقوقدانان گفته‌اند، قبول عاریه و ودیعه توسط سفیه بدون اذن، معتبر و نافذ نیست، زیرا سفیه با پذیرش عقد، بر اموال دیگری مستولی می‌شود و استیلاء بر مال دیگر ملازمه با ضمان سفیه دارد، به نحوی که اگر در اثر تقصیر وی این اموال تلف شوند، باید در برابر مالک جبران خسارت نماید. بنابراین درست‌تر آن است، بگوییم، قراردادهای مذکور بدون اذن، ولی نافذ نیست و در صورت تنفیذ ولی معتبر و نافذ می‌شوند (صفایی و همکاران، ۱۳۸۹ ش.، ص ۲۷۴) دکتر کاتوزیان نیز گفته‌اند «سفیه می‌تواند عقود رایگانی را که به سود او انشاء شده است بپذیرد و برای این کار نیازی به اذن سرپرست خود ندارد، زیرا فرض این است که قبول هبه یا صلح رایگان است و حمایت از منافع مالی سفیه ایجاب نمی‌کند که مانعی در راه این تملک مجانی به وجود آید. منتها باید افزود که امکان قبول این‌گونه قراردادها مشروط بر این است که تعهدی برای سفیه ایجاد نکند» (کاتوزیان، ۱۳۸۴ ش.، ص ۳۴).

۲-۲- نکاح: به دلیل اهمیت نکاح و مسائل پیرامون آن، بررسی این عنوان در مبحثی جداگانه ضروری به نظر می‌رسد. واقع مطلب این است که گرچه لازم است در ابتدا اهمیت حقوقی رشد در نکاح بررسی گردد و با توجه به این که عقد نکاح را دارای ماهیت مالی بدانیم یا غیر مالی، اثرات متفاوتی در پی خواهد داشت، اما با در نظر داشتن شرایط متمایز افراد داون و جلوگیری از اطاله کلام به بیان مطالب ضروری‌تر در این خصوص پرداخته می‌شود.

برخی از نویسندگان عقیده دارند وقتی فردی با اسراف و تبذیر دائم سفیه می‌باشد به طریق اولی، عقلاً فردی را نیز که درباره عیال خود اجحاف کرده باشد نیز سفیه می‌دانند (عبده بروجردی، ۱۳۸۱ ش.، ص ۱۳۴). عالم بزرگ شهید مطهری می‌فرماید «مردی که ازدواج می‌کند، خود ازدواج و کانون خانوادگی، خود شوهر برای زن و زن برای شوهر حکم سرمایه را دارد» (مطهری، ۱۳۸۲ ش.، ص ۳۱۴).

این در حالی است که مطالعه ادگرتون (۱۹۸۳) و کلر (۱۹۸۸) در مورد ازدواج افراد ناتوان ذهنی نشان داد اشخاصی از گروه ناتوانان ذهنی ازدواج نموده‌اند که ناتوانی آن‌ها در حد خفیف می‌باشد. در مبتلایان به عقب‌ماندگی ذهنی، پیشگیری از حاملگی توصیه می‌شود (احمدی، ۱۳۸۱ ش.، ص ۲۰۲) و جلوگیری از حاملگی یکی از نگرانی‌های والدین این افراد می‌باشد (کولیوند، ۱۳۸۶ ش.، ص ۱۱۲). این نگرانی می‌تواند حاکی از اجحاف آنان در این زمینه باشد. روانشناسان هرگز توصیه به ازدواج و باروری این قبیل افراد نمی‌کنند در واقع، مفهوم فرزند برای این بیماران شبیه به اسباب‌بازی است و نمی‌توانند والدین خوب و مسؤولی باشند (افروز، ۱۳۶۲ ش.، ص ۸۴). بر این اساس و دلایلی که پیش از این بیان گردید، بدیهی است افراد تربیت‌پذیر قادر به انجام اعمال حقوقی از جمله نکاح باشند. دکتر کاتوزیان عقیده دارند «هرگاه زن و مردی به واقع اراده زناشویی نداشته باشند، نکاح میان آن‌ها

اثری ندارد» (کاتوزیان، ۱۳۷۱ ش.، ص ۵۷)، اما در خصوص افراد آموزش پذیر، علیرغم مباحث فوق، فارغ از این که نکاح را دارای ماهیتی مالی بدانیم یا غیر مالی، رشد سفیه را ضروری بدانیم یا نه، واقعیت این است که وقتی آن‌ها نیازمند آموزش در امور زندگی می‌باشند به طریق اولی، در زمینه نکاح نیز نیازمند آموزش و حمایت می‌باشند. دکتر کاتوزیان نیز می‌فرماید «بایستی مفهوم غیر رشید را اعم از سفیه گرفت. بدین معنی که «غیر رشید» کسی است که بعد از بلوغ نیز شایستگی اداره اموال خود را ندارد، خواه در امور غیر مالی نیز رشد کافی پیدا کرده باشد یا عقب‌مانده به شمار آید، لیکن سفیه به غیر رشیدی گفته می‌شود که تنها عقل معاش ندارد و در سایر زمینه‌ها زندگی متعارف می‌کند. پس حجر این گروه بایستی گسترده‌تر از «سفیه» باشد» (کاتوزیان، ۱۳۷۱ ش.، ص ۴۴). بنابراین با توجه به ضرورت نیاز به آموزش در گروه‌های آموزش پذیر، می‌توان دامنه حجر آن‌ها را وسیع‌تر و در امور غیر مالی و دارای آثار مالی نیز گسترش داد.

۳- مستندات فقهی سفاهت و ارتباط آن با سندرم داون

در فقه اهل سنت افرادی با عنوان «معتوه» در کنار سایر عناوین محجورین آورده شده است و گفته شده معتوه که همان مجنون نسبی است کسی است که به اختلال کامل قوای دماغی مبتلا نمی‌باشد، بلکه به شخصی گویند که به خاطر اضطراب در عقلش قلیل‌الفهم و در مقام سخن‌گفتن کلماتش بی‌ربط و در امر اداره اموال فاسدالتدبیر است، اعم از این که اضطراب عقلی وی از اصل خلقت بوده یا به واسطه حادث شدن مرضی، امری عارضی باشد. بنابراین معتوه کسی است که افق‌هایش کامل نیست، یعنی برخی از چیزها را درک می‌کند و از درک برخی امور دیگر عاجز است (میرداداشی، ۱۳۸۹ ش.، ص ۲۱۳). در کتاب صحاح آمده است واژه «المعتوه» به

معنی ناقص‌العقل و ابله است. در قاموس نیز آمده است: «تِه فهُو معتوه؛ کسی که کم‌خرد و ابله است» (نجف‌آبادی، ۱۴۰۹ ش.، ص ۱۵۸).

دلیل بر این که مراد از واژه «معتوه» کم‌خرد است نه بی‌خرد - در متن عربی روایت - عطف «المغلوب علی عقله» است بر او، و ظاهر این عطف مغایرت است، ولی در نهایت در بیان واژه «معتوه» می‌گوید «آن دیوانه‌ای است که خرد او آسیب‌دیده است» (نهایه ابن اثیر، ج ۳، ص ۱۸۱). این واژه در لغت به «ناقص‌العقل» و «ذاهب‌العقل» تفسیر و تصریح شده که این اختلال عقلی از نوع جنون نیست (فراهِیدی، ج ۱، ص ۱۰۴) خلیل فراهِیدی گویند: «تِه فهُو مدهوش من غیر مسّ و جنون» و در مصباح‌المنیر آمده است: «تِه من باب تعب و (عَتمَاهَاً) بالفتح نقص عقله من غیر جنون أو دهش» (فیومی، ص ۳۹۲) و در جایی دیگر از واژه «خُلفه» (عقب‌ماندگی) به «عَته» تعبیر شده است (زبیدی، ج ۶، ص ۲۹۷).

در فرهنگ‌نامه‌های معاصر نیز تعاریف مشابه آمده است: «عته» به مفهوم عقب‌ماندگی ذهنی است و حالتی را گویند که دستگاه عقلی فرد از رشد باز مانده و یا دچار نقصان شده که این حالت خاستگاه سرشتی دارد، با عوارض و علائم جسمی و ظاهری محسوس همراه است و فرد از نظر گفتاری آشفته و پریشان است و بر امور خود مدیریت و کنترل ندارد. البته این بیماری از نوع جنون نیست و افراد مبتلا به آن غالباً بی‌آزارند.^۳

برای تشخیص عقب‌ماندگی ذهنی سه شاخصه مهم زیر از سوی روانپزشکان معرفی شده است:

- ۱- افرادی که از نظر عملکرد هوشی دارای هفتاد یا زیر هفتاد هستند.
- ۲- مبتلا به نوعی نقص عضو همراه با یک آسیب اجتماعی‌اند که باعث شده فاقد استانداردهای مورد انتظاری باشند که همسالانشان از آن برخوردارند، از قبیل: برقراری

ارتباط با دیگران، مراقبت از خود، مهارت‌های اجتماعی و... به عنوان مثال، نمی‌توانند پیام یا خبری را به دیگری منتقل کنند یا در صورت بیمار شدن قادر نیستند تشخیص دهند که بیمارند و یا به دیگران تفهیم کنند که نیاز به مراقبت‌های پزشکی دارند.

۳- ظهور و شروع عقب‌ماندگی ذهنی لزوماً پیش از هجده‌سالگی است.^۴

با توجه به تعاریف ذکرشده، می‌توان دریافت مقصود از معتوه در روایات افراد عقب‌مانده ذهنی هستند که به دلیل وقفه در رشد طبیعی قوای ادراکی‌شان، قادر به درک تکلیف نمی‌باشند.^۵

محقق نراقی می‌گوید «سفاهت انواع و مراتب مختلفی دارد، چنانکه جنون دارای مراتب و انواعی است. جنون، تباهی و اختلال عقل است، اما سفاهت کم عقلی است که در شکل‌های مختلفی خود را نشان می‌دهد: برخی سفیهان بی‌موقع می‌خندند، برخی دیگر در سخنان خود الفاظ ناشایست بکار می‌برند، برخی اموال خود را در راه‌های نادرست مصرف می‌کنند، برخی دیگر از مدیریت صحیح بر خانواده و فرزندان ناتوان‌اند و برخی به شایستگی‌های خود را مدیریت می‌کنند، اما از جهت دیگری گرفتار سفاهت‌اند» (محقق نراقی، ص ۵۲۲، نقل با تلخیص). از حضرت امام صادق (ع) پرسیدند که آیا طلاق معتوه جایز و نافذ است؟ فرمود: مقصود از معتوه کیست؟ گفته شد که مقصود شخص احمقی است که عقل خود را از دست داده باشد. امام در پاسخ فرمود: آری طلاقش نافذ است (طوسی، ۱۳۹۰ ق، ص ۳۰۲). پس در این روایت دو وجه احتمال است: اول این‌که معتوه حمل شود بر شخص ناقص‌العقل و نه کسی که به کلی فاقد شعور باشد، زیرا کسی که چنین صفتی داشته باشد و بتواند بین مسائل فرق بگذارد، طلاقش نیز نافذ است و تنها کسی طلاقش نافذ نیست که به دلیل فقدان عقل، چیزی نمی‌داند. احتمال دوم این‌که وقتی امام از لغت معتوه سؤال می‌کند، معلوم می‌شود در نزد عرف دو

معنا داشته و معنای دوم آن فاقدالعقل است که با جنون تناسب دارد (حاجیان، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۲۸). این که در برخی از این روایات امام (ع) از سؤال کننده می پرسد که مقصود شما از معتوه کیست؟ خود ظهور در این معنی دارد که این واژه در هر دو معنا یعنی فاقد عقل و ناقصالعقل بکار می رود و آنگاه که سؤال کننده پاسخ می دهد مقصودم از معتوه، فاقدالعقل است، امام (ع) در پاسخ از نافذبودن طلاق و امثال آن منع نموده است و مفهوم این کلام امام (ع) آن است که اگر معتوه به کلی فاقدالعقل نباشد، نافذ است (بحرانی، ۱۴۰۵ ق، ص ۱۵۸؛ حاجیان، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۲۸). در ادامه، سعی بر آن است بررسی شود آیا می توان به لحاظ مستندات فقهی نیز افراد داون را هم ردیف سفهاء دانست.

۳-۱- قرآن: در سوره نساء آیه ۵ و ۶ آمده است «ولانؤتوا السفهاء اموالکم التي جعل الله لکم قیاماً و ارزقوهم فیها و اکسوهم و قولوا لهم قولا معروفاً وابتلوا الیتیمی حتی اذا بلغوا النکاح فان آنستم منهم رشداً فادفعوا الیهم اموالهم؛ اموالی را که خداوند قوام زندگی شما را به آن قرار داده به سفها ندهید و از مالشان نفقه و لباس به آن ها بدهید و به گفتار خوش آن ها را خرسند کنید. یتیمان را تحت نظر بگیرید تا هنگامی که بالغ شوند و به نکاح تمایل پیدا کرده اند. چنانچه آنان را به درک مصالح زندگی دانا یافتید اموالشان را به آن ها بدهید یا به عبارت دیگر یتیمان را که دارای اموالی هستند آزمایش کنید تا وقتی که به سن بلوغ برسند، اگر احراز کردید که دارای رشد هستند، اموالشان را به آن ها بدهید» (نساء: ۶-۵؛ گرجی، ۱۳۸۵ ش، ص ۸۵). راغب اصفهانی در کتاب مفردات می گوید «سفه در اصل یک نوع کموزنی و سبکی بدن است به طوری که به هنگام راه رفتن تعادل حفظ نشود و به افسار که دائماً در حال حرکت است سفیه گفته می شود و سپس به همین تناسب در افرادی که رشد فکری ندارند بکار رفته است، خواه سبکی عقل آن ها در امور

مادی باشد یا در امور معنوی» (اصفهانی، ۱۳۹۲ ق، ص ۱۴۹؛ زاهدی، ۱۳۶۹ ش، ص ۱۵۱). آیت‌ا... مکارم شیرازی می‌فرمایند «تعبیر «اذا بلغوا النکاح» در آیه ۶ سوره نساء اشاره بر این دارد که ثروت آن‌ها موقعی به دستشان داده می‌شود که هم به بلوغ جسمی برسند و نیاز آن‌ها به مال شدید شود و هم بلوغ فکری پیدا کنند و توانایی برای حفظ مال داشته باشند» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷ ش، ص ۳۴۷). ایشان می‌فرمایند «اشد، هم به معنای گره محکم است، سپس توسعه یافته و به هرگونه استحکام جسمانی و روحانی گفته شده است و منظور از اشد رسیدن به حد بلوغ است، ولی بلوغ جسمانی در این جا کافی نیست، بلکه باید بلوغ فکری و اقتصادی نیز باشد، به گونه‌ای که یتیم بتواند اموال خود را حفظ و نگهداری کند که البته باید از طریق آزمایش قطعی مشخص گردد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷ ش، ص ۱۰۹).

بنابراین عدم رشد کافی در امور مالی در این آیه سفاهت دانسته شده است. مؤید مطلب فوق این آیه است «ان انستم منهم رشداً فادفعوا الیهم اموالهم؛ اگر آن‌ها را رشید یافتید اموالشان را به دست آن‌ها بسپارید» (زاهدی، ۱۳۶۹ ش، ص ۱۵۱).

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در این زمینه می‌فرماید «آنچه از ظاهر آیه ۵ و ۶ سوره نساء روشن می‌شود، این است که می‌گوید اموال سفیهان را بیش از مقداری که از جهت گذران زندگی به آن احتیاج دارند در اختیارشان نگذارید» (احمدی، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۴۵). از آنجا که خصوصیت کلی تمام انواع عقب ماندگی‌های ذهنی، اختلال در عملکرد تمام فعالیت‌های هوشی مشتمل بر یادگیری، حافظه نزدیک، استفاده از مفاهیم و حل مشکل می‌باشد (احمدی، ۱۳۸۳ ش، ص ۲۰۲).

بدیهی خواهد بود، سرپرستان آن‌ها نهایتاً اجازه امور جزئی را به آن‌ها ممکن است بدهند. فرضاً خرید جزئی با مبلغی معین و از مکانی معین یعنی در حد کودک ممیز. در تفسیر روشن نیز آمده است، منظور از قیام و قوام این است که اموال

خودتان را که فعلیت و نیروی شما بوده، هرگز در اختیار کسی که از جهت فکر و عقل ضعیف است قرار ندهید (مصطفوی، ۱۳۸۰ ش، ص ۲۵۷). در سوره بقره، آیه ۲۸۲ نیز، «ان كان الذی علیه الحق سفیهاً او ضعيفاً او لا يستطيع ان يملّ هو فليمل وليه بالعدل» منظور از ضعیف در این آیه صبی و کبیر مختل المشاعر می باشد (میرداداشی، ۱۳۸۹ ش، ص ۲۰۲). برخی از لغویین رشد را به استناد آیه ۲۵۸ سوره بقره: «قد تبين الرشد من الغي» (بقره: ۲۵۸) خلاصی از غی، یعنی حالتی که در علم روانشناسی هم تعبیر به مراحل بلوغ بدن، دوران بحران یا بحران بلوغ نامیده می شود، معنی کرده اند (اصفهانی، ۱۳۹۲ ق، ص ۲۰۱). بنابراین احتمالاً قسمت دوم آیه ۵ سوره نساء برای حمایت از فرد در طول دوران بحران و حفظ منافع او تا هنگام خروج از آن می باشد (اصفهانی، ۱۳۹۲ ق، ص ۲۰۱). این موارد در نشانگان داون، بدیهی و قابل تسری می باشد.

۳-۲- سنت: الف - و ابن ابی عمیر، از مثتی بن راشد، از ابوبصیر روایت کرده است که گفت «از امام صادق (ع) درباره یتیمی سؤال کردم که قرآن را خوانده است، و از نظر عقل نیز باکی بر او نیست و او مالی دارد که به دست مردی سپرده شده، و نگهدارنده مال قصد آن دارد که با آن مال فعالیت کند، تا آن یتیم محتلم شود و مالش را به او تسلیم کند، امام فرمود: و اگر محتلم شد و عقلی نداشت، هرگز چیزی به اختیار او داده نمی شود» (قمی، ۱۴۱۳ ق، صص ۷۳ و ۲۲۰). در تطبیق این مورد با افراد داون، به این نکته می توان اشاره کرد، در سال های اول و دوم زندگی رشد و تحول این کودکان دچار رکود شده و به شکلی آرام تر در سنین ۳ تا ۴ سالگی ادامه می یابد و پس از آن رشد و تحول آن ها دارای یکنواختی نسبی خواهد بود (کولیوند، ۱۳۸۶ ش، ص ۳۵). سابقاً تبیین گردید، این افراد ممکن است در درجات خفیف با آموزش بتوانند از وقتشان استفاده و به کارهای جزئی

بپردازند، اما در ابتدای امر این گونه نیستند و با آموزش هم حتی به قدرت تحلیل و تمییز کافی و برنامه‌ریزی برای اوقاتشان جهت بهره‌برداری از فرصت‌ها دست نمی‌یابند. اغلب در مهارت‌های اجتماعی و انطباقی نقص دارند، چراکه نقص حرکتی و محدودیت در زمینه ارتباط کلامی از رویدادهای مهم در نشانگان داون است که این محدودیت‌ها می‌تواند خود عاملی مرتبط با ضعف آن‌ها در کسب مهارت‌های اجتماعی باشد (شاهی، ۱۳۸۸ ش.، ص ۲۳).

بنابراین می‌توان گفت، نه تنها افراد سفیه که عقل معاش و قدرت اداره اموال و دارایی خود را ندارند محجور می‌باشند، بلکه افراد داون نیز حتی پس از رسیدن به سن رشد علی‌رغم عدم تشخیص نفع و ضرر خود قادر به بهره‌برداری از امکاناتشان و نوآوری (عقل معاش) در حد یک فرد رشید و رشدیافته نیستند و به طریق اولی محجور می‌باشند، سفیه نیز نوعی از کم‌عقلی است که در اداره اموال بروز می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۷۱ ش.، ص ۲۸).

ب - در روایت دیگری تمام افرادی که به جهتی از جهات قابل اعتماد نیستند سفیه نامیده شده‌اند و از سپردن اموال شخصی و عمومی به آن‌ها نهی شده است. یونس بن یعقوب می‌گوید «از امام جعفر صادق (ع) تفسیر آیه «و لاتوتوا السفهاء اموالکم» را پرسیدم فرمود «من لا تثق؛ سفیه کسی است که مورد اعتماد نباشد.» (مرتضی‌نیا، ۱۳۷۹ ش.، ص ۲۰۵). یک شاخصه عقل معاش، چگونگی مصرف است. این‌که شخص بتواند بین درآمد و مصرفش توازن ایجاد کند (روزنامه کیهان، ۱۳۹۱ ش.) یا به تعبیر فقهاء، اسراف و تبذیر مداوم نداشته باشد. در مقام عمل هم دیده می‌شود نهایت معامله‌ای که اطرافیان اعتماد واگذار کردن به آن‌ها را دارند معامله از مکانی مشخص و ترجیحاً آشنا، به مبلغی معین می‌باشد که در نهایت زیر نظر ولی فرد داون صورت می‌گیرد، گرچه حضور نداشته باشد.

ج - امام صادق (ع) فرمودند «زمان قطع شدن یتیمی کودک احتلام اوست و آن هنگامی است که او به حد رشد برسد و اگر محتلم شده و رشد در او احساس نشد و سفیه و کم‌خرد یا ضعیف بود، پس ولی او مالش را از او نگه می‌دارد» (روزنامه کیهان، ۱۳۹۱ ش.).

با توجه به سخن شهید ثانی که می‌فرماید: «... بأن يصلح مال هو بحیث یکون له ملكة نفسانية تقتضى اصلاحه و تمتنع افساده و صرفه فی غیرالوجوه اللاتمه بافعال العقلاء، لا بمطلق الصلاح؛ رشد آن است که بتواند به گونه‌ای که صلاح و مصلحت است در اموال و دارایی‌های خود تصرف کند به گونه‌ای که در او ملكة نفسانی باشد که مقتضی اصلاح مال و مانع از تباه کردن و مصرف نمودن آن در غیر موارد عقلایی گردد و مطلق اصلاح مال نیست [بلکه لازم است این امر به صورت ملكة نفسانی درآید]» (شهید ثانی، ۱۳۷۸ ش.، ص ۱۲۸). نیز به عقیده برخی حقوقدانان عدم رعایت صرفه و صلاح ناشی از اسراف و تبذیر و غفلت است و غفلت هم هنگامی است که شخصی به علت سادگی و ابله بودن از تصرفات عاقلانه در اموال خود ناتوان باشد و آن به دلیل ضعف عقلی است و چنین کسی به تبذیرکننده و اسراف‌کننده ملحق می‌شود (صفایی، ۱۳۸۹ ش.، ص ۲۳۹). در مورد افراد داون باید توجه نمود، با وجودی که خصوصیت اصلی عقب‌ماندگی ذهنی اختلال هوش می‌باشد، لیکن تعریفی که تنها این ویژگی را دربر می‌گیرد چندان رضایت‌بخش نخواهد بود. از این رو باید ملاک‌های اجتماعی را نیز در نظر گرفت، زیرا برخی افراد می‌توانند یک زندگی طبیعی یا نزدیک به طبیعی داشته باشند در صورتی که برخی دیگر با همان سطح هوش قادر به این کار نخواهند بود، لذا تعریف عقب‌ماندگی ذهنی علاوه بر اختلال هوش شامل «نقایص و اختلالات در رفتارهای انطباقی فرد نسبت به سن او» نیز می‌باشد (احمدی، ۱۳۸۳ ش.، ص ۲۰۱). با توجه به

ویژگی‌های نشانگان داون که بیان گردید از جمله، نیروی قضاوت و استدلال در آن‌ها دچار ضعف و فاقد تفکر انتزاعی می‌باشند، بدیهی است آن‌ها نیز دچار غفلت و در نتیجه ملحق به اسراف‌کننده و تبذیرکننده می‌باشند. علاوه بر این، در این جا هم می‌توان به همان مطالب بالا نیز اشاره داشت که جهت جلوگیری از اطاله کلام از بازگویی آن‌ها خودداری می‌گردد.

۳-۳- اجماع: - مرحوم مقدس اردبیلی (ره) در این باره می‌فرماید «ظاهراً ثبوت حجر بر سفیهی که سفه او متصل به بلوغ باشد فاقد هرگونه مخالفی است و نیاز به حکم حاکم ندارد، بلکه این مسأله اجماعی است بر حسب آنچه از شرح شهید (ره) فهمیده می‌شود» (اردبیلی، ۱۴۰۳ ق. ص ۲۱۸؛ عبدی، ۱۳۷۴ ش. ص ۱۷۶). در این راستا، مطالب ذیل نیز می‌تواند شایان توجه باشد.

- آیه ۵ شریفه سوره نساء «و لا تَوْتُوا السْفَهَاءَ اموالکم التي جعل الله لکم قیماً»، مرحوم طبرسی (ره) در توضیح مراد از سفها در آیه فوق، پس از طرح احتمالات و وجوه گوناگون می‌فرماید «بهتر آنست که آیه حمل شود بر عموم بنابراین جایز نیست، مال سفیهی که آن را نابود می‌کند به او سپرده شود و نه یتیمی که به حد بلوغ نرسیده است و نه کسی که بالغ شده، اما رشد او پدیدار نگشته است و اضافه مال یتیم به کسی که مسؤولیت او را بر عهده دارد [تعبیر به «اموالکم» به جای «اموالهم»]، نوعی از مجاز در اسناد و تعبیر است» (طبرسی، ۱۴۲۵ ق؛ حاجیان، ۱۳۷۵ ش. ص ۱۲۸). به فرموده استاد مطهری «اگر بخواهیم کلمه رشد را به مفهوم عام خود تعریف کنیم رشد یعنی این‌که انسان شایستگی و لیاقت اداره و نگهداری و بهره‌برداری از سرمایه و امکانات مادی و یا معنوی که به او سپرده می‌شود داشته باشد، یعنی اگر انسان در هر ناحیه از نواحی زندگی که حکم یک شأن و وسیله‌ای را دارد شایستگی اداره و نگهداری و بهره‌برداری از آن را داشته باشد

چنین شخصی در آن کار و در آن شأن رشید است، حال آن چیز هرچه می‌خواهد باشد همه آن چیزها و اشیایی که وسایل و سرمایه‌های زندگی‌اند سرمایه به مال و ثروت انحصار ندارد» (مطهری، ۱۳۷۲ ش، ص ۳۱۴) و مرسله نبوی معروف که می‌فرماید «اقبضوا علی ایدی سفهائکم» (حلی، ۱۴۱۷ ق، ص ۲۵۲).

این روایت به صراحت و اطلاق دلالت بر محدودیت مالی عموم سفیهان دارد، زیرا قبض ید سفیه جز به حجر محقق نمی‌گردد. ملاک در رشد خبرویت در اداره اموال و حسن تصرف در مال می‌باشد و ابن عباس در آیه شریفه «فان آنستم منه رشداً فادفعوا الیه اموالهم» رشد را به معنای صلاح در مال گرفته است (میرداداشی، ۱۳۸۹ ش، ص ۲۰۹).

در روایتی پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید «خداوند سه چیز را برای شما نمی‌پسندد قیل و قال و پرسش زیاد، [با دست مسئلت‌گشودن بیش از حد] و تزییع مال» (نوری، ۱۴۰۸ ق، ص ۲۲۳)، مرحوم ابن زهره در توجیه نحوه استدلال به این روایت می‌فرماید «آنچه را خدا نمی‌پسندد، ممانعت از آن واجب است، زیرا ناپسند خدا جز حرام چیزی نیست» (حلی، ۱۴۱۷ ق، ص ۲۵۳).

در تطبیق اجماع فقها و سفاهت افراد داون، شاید بتوان گفت، آن‌ها به سبب نقصی که دارند در معرض خطر مغبون شدن بیش از سایر افراد می‌باشند، آن‌ها در تشخیص نفع و ضرر خود ناتوان می‌باشند تا جایی که ممکن است مورد سوء استفاده واقع شده و فرضاً مبلغی پول را که در دست دارند در اثر فریبکاری دیگران یا به بهانه‌ای اندک از دست بدهند. این مطلب در برخورد با این افراد علیرغم عدم آگاهی از درجه هوشبهرشان، قابل مشاهده می‌باشد.

۳-۴- عقل: انسان به عنوان یک موجود اندیشمند به محض آن که به مدد عقل و اندیشه و در جهت رفع نیازهای زیستی بر محیط پیرامون خود چیرگی

یافت و به تصرف اشیا مبادرت نمود، به حکم عقل، خود را مالک آن دانسته و هرگاه دیگران را مزاحم تصرفات خود می‌دید یا اشیای تحت تصرفش را در معرض تصرف دیگران می‌یافت، همان‌طور که برای صیانت جان خود به مقابله برمی‌خواست، به حفاظت از اشیای تحت تصرفش نیز اقدام می‌کرد (محقق داماد، ۱۳۹۱ ش. ص ۱۲۱)، در همین راستا، دلایل و بدیهیات عقل نیز به راحتی و بدون هیچ مانعی بر منع صغیر و مجنون و افراد نظیر آن‌ها مانند افراد مبتلا به سندرم داون به دلیل فقدان یا نقص قوای عقلی و دماغی، قابل پذیرش می‌باشد. افراد عادی به حکم عقل و شعور خود درمی‌یابند، به دلیل ضعف‌هایی که در این افراد است نباید همانند یک انسان معمولی از آن‌ها انتظار داشته باشند. به کمک عقل می‌توان اظهار داشت دلیل بسیاری از برخوردهای محتاطانه از سوی عرف، حمایت‌ها به اشکال مختلف، چه در شکل حمایت قانونی و چه حمایت پزشکی و... ناشی از حکم عقل انسان‌ها و فطرت نوع‌دوستی او می‌باشد.

به طور کلی، از مقایسه ادله فقهی و قانونی و ویژگی‌های نشانگان داون و فرموده امام خمینی (ره) مبنی بر لزوم یکی از دو شرط برای محجوریت سفیه، می‌توان حکم به حجر نشانگان داون نمود. آن دو شرط عبارتند از: الف - سفاهت سفیه متصل به زمان صغروی باشد. ب - حجر وی به علت تبذیر و اسراف وی در اموالش باشد (موسوی خمینی، ۱۴۲۵ ق.، ص ۲۷).

د - بررسی وصف عقل و جنون در نشانگان داون

در علم روانپزشکی جنون در زمره اختلالات روانی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، که به واسطه آن جریان فکر، اندیشه، رفتار، کردار، احساس و اعمال، از راه صواب و عادی منحرف شده است (حکمت، ۱۳۴۶ ق.، ص ۱۳۷). در علم حقوق گفته شده

است، «عقل عبارت است از صفتی که به وسیله آن خوب و بد، قابل تشخیص است» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۵ ش.، ص ۲۳۵۲)، اما معیار رشد، تشخیص نفع و ضرر است این آدم عاقل است، اما رشید نیست (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۵ ش.، ص ۲۳۵۲)، در حالی که مجنون قدرت درک و فهم ندارد، لذا رفتار و اعمال او به سان خردمندان نیست (حیاتی، ۱۳۹۱ ش.، ص ۲۱۹).

با این مقدمه، در خصوص افراد مبتلا به سندرم داون می‌توان گفت: علیرغم این‌که هوش به توانایی فراگیری حافظه و استفاده مناسب از اطلاعات، تعریف شد و افراد داون در تمام این موارد در مقایسه با افراد دارای هوش عادی قابلیت کم‌تری دارند، همچنین هوش با یادگیری چگونه یادگرفتن و توانایی بکاربردن آنچه در موقعیت‌های جدید یاد گرفته شده است ارتباط دارد (شریفی درآمدی، ۱۳۸۱ ش.، ص ۱۱۲)، اما واقع مطلب این است که، کودکان کانا یا کورذهن با هوشبهر زیر ۲۵ و از طبقه عمیق، قدرت آن را ندارند که بیاموزند و بدون پشتیبانی دیگران در مقابل مخاطرات از جان خود محافظت کنند (اکرک، ۱۳۷۴ ش.، ص ۱۹) به عبارتی، این گروه قادر به تشخیص خوبی و بدی نمی‌باشند، وصفی که فقدان آن لازمه جنون در علم حقوق می‌باشد. بنابراین در خصوص افراد مبتلا به سندرم داون با توجه به این‌که گفته شده است، حداقل ۱۰٪ کودکان مبتلا به عقب‌ماندگی متوسط یا شدید (و نه عمیق) دچار سندرم داون هستند (کولیوند، ۱۳۸۶ ش.، ص ۳۴) و علاوه بر این، مطالعاتی که بر اساس آزمایشات روان‌سنجی برای بررسی تکامل شناختی افراد مبتلا به سندرم داون انجام شده و نشان داده است، این افراد دارای ضریب هوشی حدود ۲۵-۸۵ می‌باشند (نچواک، ۱۳۸۳ ش.، ص ۱۱) می‌توان اظهار داشت به دلیل قدرت تشخیص حسن و قبح در این افراد، آن‌ها فاقد وصف جنون به لحاظ حقوقی می‌باشند. در گفتگو با پزشکان سازمان بهزیستی و پزشکی قانونی نیز، اذعان

داشتند: عدم قدرت تشخیص حسن و قبح، در خصوص افراد داون مشاهده نموده‌اند مگر آن‌ها مبتلا به بیماری دیگر نظیر اوتیسم نیز باشند. در خودماندگی یا اوتیسم، نوعی اختلال رشدی است که با رفتارهای ارتباطی، کلامی غیر طبیعی مشخص می‌شود و علت اصلی آن ناشناخته است (سایمو بارون، ۱۳۹۱ ش.، ص ۲۵). به همین دلیل است که نسبت به رفتاری که ممکن است از سوی افراد دیگر مواجه شوند عکس‌العمل نشان می‌دهند و برخی از آن‌ها قادرند واجبات و محرمات شرعی اولیه را فرا گرفته و بر اجرای آن مراقبت کنند. به هر حال، با وجودی که نقایص بدنی یا عدم تناسب اندام از امکانات سازش با محیط و اجتماع می‌کاهند و ممکن است آدمی را برای ارتکاب بعضی جرائم مستعد سازند (سیاسی، ۱۳۴۲ ق.، ص ۸۲)، اما آن‌ها افرادی آرام و بامحبت هستند و قدرت همکاری دارند و خشم در آن‌ها نادر است. اکثراً بانشاط هستند و به موسیقی علاقه زیادی نشان می‌دهند (میلانی‌فر، ۱۳۹۳ ش.، ص ۶۱؛ احمدی، ۱۳۸۳ ش.، ص ۲۰۴)، اما باید توجه نمود، علائم پیری در مبتلایان به سندرم داون زود ظاهر می‌شود و تغییرات شبه آلزایمردر مغز آن‌ها تا دهه سوم زندگی، آغاز می‌شود (احمدی، ۱۳۸۳ ش.، ص ۲۰۴؛ کولیوند، ۱۳۸۶ ش.، ص ۲۶). شایان ذکر است، با توجه به این‌که جنون بر دو نوع است: دائمی و ادواری (امامی، ۱۳۷۲ ش.، ص ۲۶۰؛ بهنود، ۱۳۶۹ ش.، ص ۲۰۰)، اما در خصوص نشانگان داون که نقصشان به دلیل اختلالات کروموزومی و مادرزادی است و همیشه از این ناتوانی رنج می‌برند و نه به صورت دوره‌ای و موقت در صورت بروز بیماری آلزایمر می‌توان گفت جنون از نوع دائمی خواهد بود.

نتیجه‌گیری

دین مبین اسلام بر مبنای عدالت، اصول و قواعد حقوقی بسیار عظیم بنا نهاده شده است. برای تمام موجودات از جمله انسان‌ها حق و حقوقی قائل شده است. سفارش و تأکید اسلام به انسان‌ها مبنی بر حفظ حقوق خودشان و مراقبت از عدم تضییع حقوق دیگران بر هیچ‌کس پوشیده نیست، در هر جامعه شهروندانی وجود دارند که به علل مختلف در معرض تضییع حقوق قرار دارند و نمی‌توانند مانند اکثریت غالب جامعه از حقوق خود دفاع نمایند. مقتضای عدالت این نیست که افراد با هم برابر باشند، بلکه لازمه عدالت اینست که افراد به میزان برابر از حقوق بهره‌مند گردند و حقوق متقابل یکسانی داشته باشند. افراد عقب‌مانده ذهنی نظیر افراد مبتلا به سندرم داون از جمله این شهروندان می‌باشند. بدیهی است، سندرم داون مانند سرماخوردگی نیست که کسی به آن مبتلا گردد، بلکه در قبل از تولد بروز می‌کند. با توجه به این‌که، در مباحث حقوقی مطالبی با عنوان سندرم داون نیامده است و عدم وجود سابقه‌ای در فقه تحت عنوان سندرم داون، تعیین وضعیت حقوقی افراد مبتلا به سندرم داون، ضروری به نظر می‌رسد.

از آنجایی که اصل بر آزادبودن انسان‌هاست و منع آن‌ها نیاز به دلیل و علت دارد، اما طبق ماده ۲۱۱ ق.م، افراد بسته به این‌که واجد بلوغ و عقل و رشد باشند یا فاقد آن اهلیت استیفا پیدا می‌کنند. بنابراین اثبات فقدان هریک از این موارد یعنی خلل واردشدن در اهلیت استیفا فرد که معنایی غیر از محجورماندن ندارد. پس از مطالعه و بررسی احراز گردید، نشانگان داون جزء دسته عقب‌ماندگان ذهنی خفیف یا مرزی نمی‌باشند، ولی شدت عقب‌ماندگی ذهنی آن‌ها، در حد عمیق یا کانا نیز نمی‌باشد. برخی از آن‌ها با هوشبهر ۵۰-۲۶ دارای عقب‌ماندگی

ذهنی شدید و برخی (غالباً) نیز با هوشبهر ۷۰-۵۱ دارای عقب‌ماندگی ذهنی متوسط می‌باشند.

بدین ترتیب، با بررسی وصف رشد نشانگان داون و تطابق با مستندات فقهی و مقررات قانونی، آن‌ها را در زمره افراد غیر رشید و در فقدان عقل معاش مشترک و هم‌ردیف سفهاء ذکر نمودیم. لازم به ذکر است، به فرموده متخصصان این امر، تمام نشانگان داون قادر به تشخیص حسن و قبح می‌باشند، البته تمام آن‌ها در دهه سوم زندگی خود مبتلا به آلزایمر و طبیعتاً زوال عقل و عدم قدرت تشخیص حسن و قبح و مشمول مجانین خواهند شد. مطالعات و بررسی ویژگی این افراد، ما را به این نتیجه رساند که آن‌ها نیز همانند سایر افراد در دوران طفولیت خود محجور می‌باشند و پس از آن نیز به دلیل اختلال در رشد و ابتلا به آلزایمر و بیماری‌های دیگر، همچنان در حجر به سر خواهند برد و نیازمند حمایت می‌باشند. همچنین با در نظر داشتن این نکته که نشانگان داون شدید، به دلیل نیمه وابسته بودن، عملاً قادر به انجام اعمال حقوقی نمی‌باشند، بیان گردید. نشانگان داون (متوسط) همانند سفهاء، اراده سالم و قوای دماغی کامل در زمینه مالی ندارند بنابراین نمی‌توانند آثار و نتایج عمل حقوقی را که انجام می‌دهد درک کند و بسنجند و به همین جهت استقلال مالی ندارند، به دستور ماده ۱۲۰۸ ق.م.ا از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع می‌باشد، لذا کلیه معاملات او حتی اگر به صورت عقلایی هم باشد، غیر نافذ بوده و نیاز به اجازه ولی یا قیم او دارد. سکوت قانون در خصوص ماهیت نکاح، منجر به این شده است که بین حقوقدانان و فقهاء نظر واحدی وجود نداشته باشد، اما بنا به گفته حقوقدانان، می‌توان دامنه حجر آن‌ها را وسیع‌تر و در امور غیر مالی دارای آثار مالی نیز گسترش داد.

پی‌نوشت‌ها

1. American Association On Mental Relation

۲. الخلفه: العیب و الفساد و الحمق، الخلفه أيضاً العته.

3. <http://scf.mhmrtc.org>4. <http://scf.mhmrtc.org>5. <http://scf.mhmrtc.org>

۶. تفسیر برهان، ج اول.

فهرست منابع

الف: فارسی

قرآن مجید. ترجمه الهی قمشهای. قم: آیین دانش.

احمدی، کامران. (۱۳۸۳ ش.). روانپزشکی آکسفورد ۹۹. تهران: فرهنگ فردا.

افروز، غلامعلی. (۱۳۶۲ ش.). مقدمه‌ای بر روانشناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی. تهران: دانشگاه تهران.

افروز، غلامعلی. (۱۳۷۰ ش.). کودکان عقب‌مانده ذهنی. تهران: دانشگاه تهران.

افروز، غلامعلی. (۱۳۸۵ ش.). روانشناسی و توانبخشی کودکان با نشانگان داون (منگولیسیم). تهران: دانشگاه تهران.

اکرک، ساموئل. جانسون، جی ارویل. (۱۳۷۴ ش.). آموزش و پرورش کودکان عقب‌مانده ذهنی. ترجمه مجید مهدی‌زاده. مشهد: آستان قدس رضوی، ص ۳۰۷.

امامی، سیدحسن. (۱۳۷۲ ش.). حقوق مدنی. جلد اول و سوم و پنجم، تهران: انتشارات اسلامی.

ری گیرهات، بیل. همکاران. (۱۳۸۵ ش.). آموزش و پرورش کودکان عقب‌مانده ذهنی. ترجمه پرویز شریفی درآمدی، تهران: سپاهان.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۸ ش.). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. قم: انتشارات گنج دانش.

- سایمون بارون، کوهن. (۱۳۹۱ ش.). *اوتیسم و سندرم اسپرگر*. ترجمه مهدی گنجی. تهران: ساوالان.
- سیاسی، علی‌اکبر. (۱۳۴۲ ش.). *روانشناسی جنایی*. تهران: دانشگاه تهران.
- شریفی درآمدی، پرویز. (۱۳۸۱ ش.). *روانشناسی کودکان استثنایی*. جلد اول، تهران: روان‌سنجی.
- صفایی، سیدحسین. قاسم‌زاده، سیدمرتضی. (۱۳۸۹ ش.). *اشخاص و محجورین*. تهران: سمت.
- عبده بروجردی، محمد. (۱۳۸۱ ش.). *کلیات حقوق اسلام*. تهران: رهام.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۱ ش.). *قواعد عمومی قراردادها*. جلد دوم، تهران: سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۷ ش.). *قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی*. تهران: نشر دادگستر.
- کریمیان، حسین. (۱۳۸۲ ش.). *روانشناسی کودکان استثنایی*. قم: گنج عرفان.
- کولیوند، میترا. همکاران. (۱۳۸۶ ش.). *سندرم داون*. تهران: پایگان.
- کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، مصوب ۱۳۸۵/۲/۲۲.
- محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۳۸۶ ش.). *مباحثی از اصول فقه و اصول عملیه و تعارض ادله*. تهران: نشر علوم اسلامی.
- محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۳۹۱ ش.). *قواعد فقه بخش مدنی ۲*. جلد دوم، تهران: سمت.
- مصطفوی، علامه. (۱۳۸۰ ش.). *تفسیر روشن*. جلد پنجم، تهران، نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲ ش.). *مجموعه آثار*. جلد سوم، قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۲ ش.). *یادداشت‌های استاد مطهری*. جلد چهارم قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲ ش.). *نظام حقوق زن در اسلام*. تهران: صدرا.
- مقصودی، مراد. (۱۳۹۱ ش.). *اشخاص و محجورین*. تهران: خرسندی.

موسوی خمینی، سیدروح‌اله، (۱۴۲۵ ق.). *تحریر الوسیله*. ترجمه علی اسلامی. جلد سوم، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

میرداداشی، سیدمهدی. همکاران. (۱۳۸۹ ش.). *احوال شخصیه اهل سنتطلاق، وصیت، ارث و حجر در مذهب شافعی و حنفی*. تهران: خرسندی.

میلانی‌فر، بهروز. (۱۳۹۳ ش.). *روانشناسی کودکان و نوجوانان استثنایی*. تهران: قومس.

ناصرشریعتی، تقی. داورمنش، عباس. (۱۳۷۵ ش.). *اثرات معلولیت ذهنی فرزند بر خانواده*. تهران: سازمان بهزیستی و دانشگاه علوم بهزیستی.

نیاتی، نگار. (۱۳۸۹ ش.). *حمایت از اشخاص دارای معلولیت در نظام بین‌المللی حقوق بشر*. تهران: شهر دانش.

نچواک، مصطفی. (۱۳۸۳ ش.). *ناهنجاری‌های متابولیکی در سندرم داون*. تهران: پژوهشکده کودکان استثنایی.

ب: عربی

اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۳ ق.). *مجمع الفوائد و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان*. جلد نهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

اصفهانی، راغب. (۱۳۹۲ ق.). *معجم مفردات الفاظ قرآن*. چاپ اول، قم: اسماعیلیان.

شهید ثانی. (۱۳۷۸ ق.). *شرح اللمعه*. ترجمه علی شیروانی. جلد هفتم، قم: انتشارات دارالعلم.

عاملی، کرکی. محقق ثانی، علی بن حسین. (۱۴۱۴ ق.). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*. جلد پنجم، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

قمی، صدوق. محمد بن علی بن بابویه. (۱۴۱۳ ق.). *من لا یحضره الفقیه*. جلد سوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

گرچی، ابوالقاسم. (۱۳۸۵ ش.). *آیات الاحکام*. تهران: میزان.

مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۱ ق.). *الفقه علی المناهب الخمسه*. جلد دوم، لبنان: دارالجواد.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۷ ش.). *تفسیر نمونه*. جلد سوم، قم: دارالکتب الاسلامیه.

موسوی خمینی، سیدروح‌اله. (۱۴۲۵ ق.). *تحریرالوسیله*. ترجمه علی اسلامی. جلد سوم، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ ق.). *جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام*. جلد بیست و ششم، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

واسطی، زبیدی. حنفی، محب‌الدین. حسینی، سیدمحمدمرتضی. (۱۴۱۴ ق.). *تاج‌العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.

ج: سایت

کانون سندرم داون ایران. (۱۳۹۲ ش.). www.professorsoltanzadeh.com.

یادداشت شناسه مؤلفان

محمد صالحی مازندرانی: استادیار حقوق خصوصی دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسؤول)

نشانی الکترونیکی: m_salehimazandarani@yahoo.com

معصومه احسانی: کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، قم، ایران.

مرحوم ناصر قربان‌نیا: دانشیار حقوق دانشگاه مفید قم، قم، ایران.

The legal status of people with Down syndrome*Mohammad Salehi Mazandarani**Masoumeh Ehsani**Naser Ghorban Nia***Abstract**

The syndrome of physical and mental symptoms that present a clinical disease or disorder is hereditary. This phenomenon is due to an irregularity in the chromosome during cell division occurs in the embryonic stages. Those who have Down syndrome in their body cells have 46 chromosomes instead of 47 chromosomes. Extra chromosome in the body of a person who has Down syndrome, causes physical and mental changes. As far as the most worrying factor in Down syndrome, is mental retardation. Down syndrome is the subject of medical issues that have been discussed, but rarely in legal writing on legal issues of the people, is the answer found. Therefore it is necessary that the law be examined. In this article we try, following the introduction of a variety of mental retardation and Down syndrome to describe and compare them with those incapable of law. And their position in the jurisprudence of the evidence in this case Not mature finally prove that they are in financial and non-financial and madness when they should be.

وضعیت حقوقی افراد مبتلا به سندروم داون

Keywords

Down Syndrome, Mental Retardation, Incapable, Legal Status, Madness, Dementia, Foolish, Ignorant Mongolism